

دکتر محمد اعتمادی درباره وضعیت کشور و کرونا می‌گوید: «ایران به طرز عجیبی با بیماری درگیر است و در بدترین وضعیت از زمان شروع بیماری قرار دارد. در محله گلشهر نیز وضعیت وخیم است، اما چون چند ماه از شیوع این بیماری می‌گذرد مردم دیگر از آن ترس ندارند و به این شیوه زندگی عادت کردند. تا پیش از این مردم نکات بهداشتی

را رعایت و مواد خریداری شده را تمام و کمال ضدعفونی می‌کردند و مرتب دست‌ها را شست‌وشو می‌دادند؛ ولی اکنون ترسی از بیماری ندارند و تصورشان این است که به این ویروس مبتلا نمی‌شوند. این مسئله باعث شد تا شرایط کشور نسبت به اوایل انتشار و ویروس وخیم‌تر شود.»

## شک مهاجر گلشهری

# درد آقا اباعبد... (ع)

پایه‌ی در رشته پزشکی مهد پذیرفته شده است.

مدتی است که به اهالی شهر ویزیت و مشاوره که این عمل خیر محدود

به این چند ماهه نیست و نبوده و از همان ابتدای ورود به رشته پزشکی آغاز شده است. این هفته سراغ او رفتیم و در گپ و گفتی صمیمی حرف‌های دلش و قصه تلاش و موفقیتش را شنیدیم. با ما همراه باشید.

امنیت، اقتصاد و... بررسی کنیم. بعد از دانش‌آموختگی در طرح RQN که متعلق به سازمان IOM یعنی سازمان ملی مهاجرت شرکت کردم، این طرح یک ساله بود و به متخصصان افغانستانی که در ایران زندگی می‌کردند، تعلق داشت. ۳۵ نفر جذب این طرح شدند، من هم به عنوان پزشک در این طرح ثبت‌نام کردم و بعد از پشت سر

گذشتن مصاحبه عازم کابل شدم. در مدت یک سالی که در افغانستان حضور داشتم شرایط را به طور کامل بررسی کردم. این مدت در بیمارستان یا همان شفاخانه مشغول به کار بودم و در ۲ دانشگاه نیز تدریس می‌کردم. دانشگاه‌های کاتب و خاتم النبیین (ص) در کابل نیز بعد از تمام طرح به من پیشنهاد همکاری دادند که به عنوان هیئت علمی جذب



در دانشگاه شوم، اما علت اصلی بازگشت من از افغانستان بررسی شرایط در مقطع تخصص بود زیرا آرزوی هر دکتری گرفتن تخصص و آرزوی هر متخصصی هم گرفتن فوق تخصص است. به طور قطع داشتن تخصص بیشتر سبب می‌شود که دامنه وسیع‌تری از خدمات را ارائه دهم، اما متأسفانه به این دلیل که تبعه افغانستان هستم، اگر با کنکور سراسری دوباره وارد دانشگاه‌های ایران شوم بازهم باید هزینه بپردازم، حتی ممکن است بعد از گذشت یک سال شهریه‌ها و قوانین تغییر کند و با مشکلات بیشتری مواجه شوم.»

### مشوق اصلی من مادرم بود

از او درباره انگیزه‌اش برای خواندن رشته پزشکی می‌پرسم و اینکه دوست داشت عنوان دکتر قبل از نام خانوادگی‌اش قرار بگیرد و آیا این پیشوند که قبل از اسم شما آمده است کمک کرده اوضاع‌تان از بقیه بهتر باشد و محمد می‌گوید:

«در تمام دوران دانشجویی علاقه‌مندان به این رشته برای قبول شدن از من مشاوره می‌گرفتند. من هم درست مثل شما اولین نکته‌ای که ذهنم را درگیر می‌کرد همین انگیزه ورود علاقه‌مندان بود به همین دلیل علت ورود و علاقه‌شان را از آن‌ها جویا می‌شدم. بیشتر آن‌ها بدون پیش زمینه خاصی از این رشته و تنها به دلیل جایگاه اجتماعی قصد ورود به این رشته را داشتند و از سختی‌های این رشته هیچ اطلاعی نداشتند، در حالی که پزشکی رشته بسیار سختی است و ۲ سال آخر دانشجویان این رشته شب و روز ندارند، اما ورود من به این رشته اندکی متفاوت بود. همان‌طور که قبلاً هم خاطر نشان کردم مادر من ماما بود. آن زمان که من دانش‌آموز مقطع راهنمایی و دبیرستان بودم می‌دیدم که چطور مادر به دیگران کمک می‌کند و به آن‌ها مشاوره‌های پزشکی می‌دهد. احساس رضایتی که در چهره مادرم و در چهره بیماران می‌دیدم باعث شد به این رشته علاقه پیدا کنم.

زمانی که مشغول انجام تکالیف درسی بودم، مادرم از پشت تلفن یا حضوری به بیماران مشاوره می‌داد، همین کمک به آن‌ها که در حوزه سلامت خودشان مهارتی نیاموخته بودند باعث شد به این رشته به صورت جدی فکر کنم در واقع مشوق اصلی ام مادرم بود.»

محمد با خنده ادامه می‌دهد: «البته نمی‌توانم انکار کنم دوست دارم آقای دکتر صدایم کنند، لذت هم می‌برم؛ اما نسبت به سختی‌های این رشته آگاهی داشتم و بعد به سراغ این رشته رفتم. خوش‌حالم می‌توانم با اطلاعاتی که از این رشته به دست آوردم به بیماران کمک کنم؛ اما برای پاسخ به بخش دوم سؤال شما که آیا این رشته و این شغل کمکی کرده که اوضاع من از دیگر افرادی که به عنوان مهاجر در این کشور زندگی می‌کنند بهتر باشد و آیا جایگاه بهتری کسب کرده‌ام یا نه؟ باید بگویم خوشبختانه بله. احترامی که من از جانب دوستان نزدیک خودم، آشنایان و دوستان درجه و حتی کسانی که قبلاً من را ندیده‌اند دریافت می‌کنم نشان از آن دارد که جایگاهم در جامعه تغییر کرده است. همین احترام و برخورد شهر وندان باعث شد تا من نیز روی شخصیت بیشتر از گذشته کار کنم. پزشکان افراد امین جامعه هستند و قرار است که مشکلات مردم را حل کنند و باید دارای شخصیت قوی به لحاظ اخلاقی باشند.»

### افغانستان هنوز کشوری جنگ زده است

از او درباره وضعیت سلامت و بهداشت در حاشیه شهر، منطقه گلشهر و جامعه مهاجر، ایران و افغانستان می‌پرسم و محمد می‌گوید: «به طور قطع وضعیت بهداشتی مهاجران حاشیه شهر مشهد در مقایسه با افغانستان خیلی بهتر و مساعدتر است، چرا که افغانستان کشوری جنگ‌زده است و هنوز نتوانسته وضعیت بهتری را در حوزه‌های مختلف باری مردم و کشورش مهیا کند؛ اما در مقایسه با ایرانیان مقیم در حاشیه شهر، وضعیت مهاجران تقریباً یکسان است؛ البته باید

خاطر نشان کنم که در دیگر مناطق حاشیه‌ای سکونت نداشتم؛ اما بیمارانی که از حاشیه‌های شهر مشهد به بیمارستان‌های قائم (عج) و امام رضا (ع) مراجعه می‌کنند، شرایط یکسانی دارند. درباره گلشهر نیز باید این امر را در نظر گرفت که بیشتر ساکنان این محدوده مهاجر و کارگر هستند و بیشتر آن‌ها درگیر حوادث ناشی از کار می‌شوند و چون بیمه ندارند هزینه‌های درمانشان بالاست و امکان مراجعه به بیمارستان‌های مجهز را ندارند. یکی از دلایلی که افراد این محله بیش از دیگر محلات دچار بیماری‌های ژنتیکی می‌شوند، هزینه گزاف ناشی از انجام آزمایش قبل از ازدواج و زمان بارداری است. این مسئله باعث شده که فرزندان بیشتر خانواده‌های مهاجر دچار معلولیت شوند. حل این مشکلات به برنامه‌ریزی دقیق از سوی خود دولت جمهوری اسلامی ایران نیاز دارد. این مشکلات با سازمان‌های بین‌المللی حل شدنی نیست؛ البته همکاری سازمان اتباع نیز در این راستا اهمیت زیادی دارد. معتقدم این سیل عظیم از جامعه مهاجر به برنامه‌ریزی دقیق‌تری از طرف مسئولان کشوری نیاز دارد.»

### نذر تخصص و وضعیت حاد کرونا

از او درباره ویزیت رایگانی که در محدوده گلشهر انجام می‌دهد که می‌پرسم، پاسخ می‌دهد: «برنامه ویزیت رایگان از قبل از این ماجرا هم وجود داشت. ریشه این جریان در خانواده ما وجود داشت من به شخصه مادرم را می‌دیدم که سال‌های سال مشاوره رایگان به مردم می‌دادند و کم کم من هم تحت تأثیر این حرکت مادرم قرار گرفتم و حس خوب به من هم منتقل شد و تصمیم گرفتم که این حس را خودم هم تجربه کنم. تقریباً از همان ابتدای دوران دانشجویی آشنایان دور و نزدیک سؤالات خود را درباره پزشکی تلفنی یا به صورت حضوری می‌پرسیدند. اوایل برایم سخت بود، هنوز اطلاعات دقیقی از پزشکی نداشتم؛ اما به مرور زمان مشاوره‌های رایگان پزشکی را شروع کردم و این ماجرا تا آخر دوران دانشگاه و بعد از آن نیز ایام محرم و صفر متوجه شدم که مردم نذورات خود را برای روز عاشورا تقدیم آقا اباعبد... (ع) می‌کنند و این نذورات بیش از هر چیزی به صورت غذا و پول است. همان‌جا تصمیم گرفتم اطلاعاتم را در حوزه پزشکی نذر امام حسین (ع) کنم به نظرم هر فردی می‌تواند تخصص خود را نذر کند و این اقدامی برای فرهنگ‌سازی بین همکارانم بود. نیازی نیست که نذورات تنها به صورت مادی باشد. به این ترتیب نذر خودم را به اطلاع عموم رساندم و این نذر ۶ ماه ادامه داشت. با توجه به شیوع کرونا بیشتر مشاوره‌ها به صورت تلفنی انجام می‌شد و بعد از اینکه احساس می‌شد که بیمار به معاینه نیاز دارد به منزل این عزیزان مراجعه می‌کردم. در این مدت مشاوره‌ها به روزی ۴۰ تماس یا مراجعه می‌رسید. هفته اول آن‌قدر تماس داشتم که امکان استراحت نداشتم. از هفته دوم به بعد مشاوره‌ها معمولی‌تر شد و از حجم کار کاسته شد. نکته جالب اینجاست که این مشاوره‌ها محدود به داخل کشور نبود و از دیگر کشورها نیز با من تماس می‌گرفتند. خانمی با من تماس گرفت و از من خواست تا مادرش را که ساکن گلشهر بود ویزیت کنم. بعدها به من پیام دادند که شما بهترین دکتر دنیا هستید و این برایم بسیار شیرین بود و خستگی بار این چند وقت را از دوش من برداشت. به تکرار پدرم از تأثیر دعای مردم در زندگی برایم می‌گفت. اینکه با وجود تخصص و تحصیل می‌توانیم به مردم بهتر کمک کنیم. به مرور زمان به این حقیقت پی‌بردم و با تمام وجود لمس کردم که گروه‌های زیادی از زندگی من بدون هیچ گونه زحمتی باز می‌شود و همه آن‌ها را مدیون دعای همین مردم هستم. بارها شده که خطرات بزرگی چه به لحاظ جسمی و چه به لحاظ روحی و حتی در حوزه تحصیل پشت سر گذاشتم و به موفقیت رسیدم همه این‌ها را از دعای مردم دارم.»



هزینه گزاف ناشی از انجام آزمایش قبل از ازدواج و زمان بارداری است. این مسئله باعث شده که فرزندان بیشتر خانواده‌های مهاجر دچار معلولیت شوند

